





وزارت علوم ، تحقیقات و فن آوری

دانشگاه پیام نور

دانشکده: الهیات

گروه علمی: حقوق

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل

**عنوان: بررسی حقوق کودکان سرباز در جریان مخاصمات مسلحانه داخلی
از منظر حقوق بین الملل بشر دوستانه**

استاد راهنما: دکتر مرتضی نجفی اسفاد

استاد مشاور: دکتر علیرضا حجت زاده

دانشجو: مریم شایانفر

بهار ۱۳۸۹

شماره:
تاریخ:
پیوست:



تجمع علوم انسانی

تصویب نامه

پایان نامه

کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل

عنوان :

**" بررسی حقوق کودکان سرباز در جریان مخاصمات
مسلحانه داخلی از منظر حقوق بین الملل بشر دوستانه "**

تاریخ و روز دفاع : ۱۳۸۹ / ۰۶ / ۲۳ سه شنبه
ساعت: ۰۰ : ۱۰ - ۰۸ : ۳۰

نمره : ۱۷/۷۵ *هنرمند و همکار درج*
درجه ارزشیابی:

اعضاء هیات داوران: *ب. ب. ب.*

| ردیف | سمت | نام و نام خانوادگی | مرتبه علمی | امضاء |
|------|------------------------|----------------------|------------|--------------------|
| ۱ | استاد راهنما | دکتر مرتضی نجفی | | <i>[Signature]</i> |
| ۲ | استاد مشاور | دکتر علیرضا حجت زاده | | <i>[Signature]</i> |
| ۳ | استاد مشاور | | | |
| ۴ | استاد داور | دکتر آل کجیاف | | <i>[Signature]</i> |
| ۵ | استاد داور | | | |
| ۶ | نماینده تحصیلات تکمیلی | | | |

تهران، خیابان استاد نجات
الهی، نرسیده به خیابان
کریمخان زند، چهارراه
سپند، پلاک ۲۳۳
تلفن: ۸۸۸۰۱۰۹۰
دورنگار: ۸۸۸۹۰۵۳۶
www.tpnu.ac.ir
ensani@tpnu.ac.ir

تقدیم به:

بدنهای کوچک و دردمند و فریادهای خاموش کودکان سرزمینم، کودکان حلبچه،
هرات، کابل، بغداد، رواندا، میانمار و سیرالئون ... تقدیم به همه آنانی که برای
تسکین آلام و دردهای این کودکان و تحقق صلح می کوشند.

تقدیم به پدر و مادر عزیزم به پاس زحماتشان.

و تقدیم به همه انسانها تا هنگامی که کودکند.

تقدیر و سپاس

ضمن تقدیر و سپاس فراوان از زحمات و راهنمایی‌های ارزنده استاد گرانقدر جناب

آقای دکتر نجفی اسفاد به عنوان استاد راهنما و توجه صمیمانه استاد محترم

جناب آقای دکتر حجت‌زاده به عنوان استاد مشاور که در تهیه این پژوهش یاری-

ام داده‌اند، سپاسگزاری و قدردانی می‌نمایم.

چکیده

در سال‌های اخیر، افزایش یکباره شمار مخاصمات داخلی از طرفی و خشونت و درنده‌خویی آدم‌های آدمیت از یاد برده از طرفی دیگر موجب تحول ژرف و برق‌آسای حقوق بین‌الملل بشردوستانه مربوط به مخاصمات مسلحانه داخلی شد. وقوع هم‌زمان ده‌ها مخاصمه داخلی و استیلای روحیه برادرکشی و هموطن‌کشی بر طرف‌های درگیر در این مخاصمات که خسارات انسانی و مادی بسیار به بار آورد باعث شد تا موضوع حقوق حاکم بر مخاصمات داخلی اهمیت درجه اول بیابد و جامعه بین‌المللی برای مهار خشونت‌ها و تحکیم و تقویت حقوق بین‌الملل بشردوستانه در این مخاصمات چاره‌هایی بیندیشد.

مطابق عموماًت حقوق بین‌الملل بشردوستانه حاکم بر مخاصمات مسلحانه داخلی، نسبت به همه افرادی که در درگیری‌ها شرکت ندارند باید در هر وضع و حالتی که باشند رفتاری انسانی روا داشته شود و شخصیت ایشان محترم بماند. در همان حال، در زمان مخاصمات داخلی، چند دسته از افراد تحت توجه و حمایت خاص حقوق بشردوستانه قرار دارند؛ کودکان، زنان و اشخاصی که به دلایل مربوط به مخاصمه داخلی از آزادی محروم شده‌اند. چرا که اینان در چنین مواقعی بسیار آسیب‌پذیر به حساب می‌آیند.

در عرصه بین‌المللی مساله حمایت از کودکان در طول مخاصمات مسلحانه، بعد از جنگ جهانی دوم با تصویب کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) مورد توجه قرار گرفت.

تغییر وضعیت نیروهای مسلح و شیوه‌های جنگی بعد از جنگ جهانی دوم که منجر به گسترش صدمات بر روی کودکان گردید. مجمع عمومی سازمان ملل را بر آن داشت تا "اعلامیه حمایت از کودکان در مواقع اضطراری و مخاصمات مسلحانه" را در سال ۱۹۷۴ به تصویب رساند.

تصویب پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۷۷ و کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ که ترتیبات خاصی را به حمایت از کودکان در طول مخاصمات مسلحانه اختصاص داده بودند، در آن زمان ارمغان گرانبهایی برای کودکان سراسر جهان محسوب می‌شد، به تدریج نارضایتی بسیاری از دولتها از معیارهای مندرج در این اسناد خصوصاً تعیین معیار سنی ۱۵ سال در رابطه با ممنوعیت بکارگیری کودکان در طول مخاصمات مسلحانه، زمینه‌ساز تصویب منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک در سال ۱۹۹۶، کنوانسیون شماره ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار با عنوان حذف بدترین اشکال کار کودک در سال ۱۹۹۹ و نهایتاً پروتکل ضمیمه به کنوانسیون حقوق کودک در سال ۲۰۰۰ گردید. در این اسناد حداقل معیار سنی برای ممنوعیت استخدام در نیروهای مسلح و مشارکت در طول مخاصمات مسلحانه از ۱۵ سال به ۱۸ سال افزایش یافته است.

در کنار دستاوردهای چشمگیر اسناد قراردادی، شورای امنیت، مجمع عمومی و دبیر کل سازمان ملل نیز فعالیتهای قابل توجهی را در حمایت از کودکان انجام داده‌اند.

و سرانجام این که نگرش جدید جامعه بین‌الملل به مخاصمات داخلی و مشکلات ناشی از آن، به تکامل و پیشرفت نظام حقوقی مربوط به این مخاصمات انجامید. به خصوص مشخص کرد که قواعد حقوقی مخاصمات داخلی در "عرف بین-المللی" ریشه دوانیده‌اند و دیگر آنکه معلوم ساخت به لحاظ حقوق بین‌الملل، نقض این قواعد مسئولیت کیفری مرتکب را در پی خواهد داشت.

کلید واژگان:

حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق مخاصمات مسلحانه داخلی، کودک، کودک سرباز، مسئولیت کیفری فردی.

فهرست مطالب

| | |
|----|---|
| ۱ | مقدمه: |
| ۱ | ۱- بیان مسئله تحقیق |
| ۵ | ۲- پرسش های تحقیق |
| ۵ | ۳- فرضیه تحقیق |
| ۶ | ۴- پیشینه تحقیق |
| ۷ | ۵- انگیزه تحقیق |
| ۷ | ۶- تعریف مفاهیم |
| ۸ | ۷- روش تحقیق و گرد آوری |
| ۸ | ۸- مشکلات تحقیق |
| ۹ | ۹- نقطه تمرکز: |
| ۹ | ۱۰- سازماندهی تحقیق: |
| ۱۱ | بخش اول: تبیین مبانی و مفاهیم بنیادین پژوهش از منظر حقوق بین الملل |
| ۱۲ | فصل اول: مفهوم کودک سرباز |
| ۱۳ | مبحث اول: تعریف کودک سرباز در مقررات حقوق بین الملل |
| ۱۹ | گفتار اول: تعریف حقوقی کودک سرباز |
| ۲۱ | گفتار دوم: تعریف حقوقی کودک |
| ۲۲ | گفتار سوم: تعریف مخاصمات مسلحانه |
| ۲۴ | گفتار چهارم: بیان حقوقی مخاصمات مسلحانه |
| ۲۵ | گفتار پنجم: انواع مخاصمات مسلحانه |
| ۲۷ | مبحث دوم: توصیف مخاصمات مسلحانه بین المللی |
| ۲۸ | گفتار اول: تعریف و تبیین مخاصمات مسلحانه داخلی |
| ۲۹ | گفتار دوم: توصیف انواع مخاصمات مسلحانه داخلی |
| ۳۰ | گفتار سوم: معیارهای توصیف مخاصمات مسلحانه داخلی |
| ۳۰ | بند ۱: تسلط شورشیان بر بخشی از سرزمین |
| ۳۲ | بند ۲: توانایی شورشیان بر اجرای پروتکل |
| ۳۴ | گفتار چهارم: تفاوت موجود میان مخاصمات مسلحانه بین المللی و داخلی |

| | |
|----|--|
| ۳۶ | گفتار پنجم: اشتراکات و تفاوت‌های حقوقی مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و داخلی |
| ۳۹ | فصل دوم: چشم‌اندازی بر حقوق بین‌الملل بشردوستانه |
| ۴۰ | مبحث اول: منابع حقوق بین‌الملل بشردوستانه |
| ۴۴ | گفتار اول: اصول اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه |
| ۴۵ | گفتار دوم: مبانی بنیادین حقوق بشردوستانه |
| ۴۸ | مبحث دوم: وجوه اشتراک و افتراق میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه |
| ۵۸ | گفتار اول: از نظر تعریف |
| ۵۸ | گفتار دوم: از نظر منابع |
| ۵۸ | گفتار سوم: از نظر مسئولیت بین‌المللی |
| ۶۰ | بخش دوم: اصل رعایت حقوق کودکان سرباز در پرتو حقوق بشردوستانه در جریان مخاصمات مسلحانه داخلی |
| ۶۱ | فصل اول: اصل ممنوعیت بکارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه از نظر حقوق بین‌الملل |
| ۶۴ | مبحث اول: واکاوی اسناد بین‌المللی |
| ۶۵ | گفتار اول: پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۷۷) |
| ۶۷ | گفتار دوم: پروتکل دوم الحاقی (۱۹۹۷) |
| ۶۸ | گفتار سوم: کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) |
| ۷۰ | گفتار چهارم: اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری |
| ۷۱ | گفتار پنجم: کنوانسیون شماره ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار در رابطه با حذف بدترین اشکال کار کودک (۱۹۹۹) |
| ۷۲ | گفتار ششم: منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک (۱۹۹۶) |
| ۷۲ | گفتار هفتم: پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک در رابطه با بکارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه (۲۰۰۰) |
| ۷۳ | مبحث دوم: تحلیل موضوعات مندرج در پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) |
| ۷۴ | گفتار اول: تعهد دولتها در خصوص ممنوعیت بکارگیری افراد زیر ۱۸ سال در مخاصمات مسلحانه |
| ۷۵ | گفتار دوم: تعهد دولتها به افزایش معیار سنی برای استخدام داوطلبانه کودکان و دادن اولویت به افرادی که سن بالاتری دارند |

- ۷۷ گفتار سوم: تعهد گروهها و نیروهای مسلح غیردولتی در خصوص ممنوعیت استخدام و بکارگیری افراد زیر ۱۸ سال در مخاصمات مسلحانه
- ۷۸ گفتار چهارم: اهمیت اجرای پروتکل در گسترش حمایت از کودکان سرباز
- ۷۹ گفتار پنجم: محاکم کیفری بین‌المللی ad hoc
- ۸۰ گفتار ششم: دادگاه برای یوگوسلاوی سابق
- ۸۳ گفتار هفتم: دادگاه رواندا
- ۸۵ گفتار هشتم: بررسی عملکرد سازمانهای بین‌المللی
- ۸۶ بند ۱: کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC)
- ۸۷ بند ۲: عفو بین‌الملل (AI)
- ۸۹ **فصل دوم: مسئولیت ناشی از عدم رعایت حقوق کودکان در جریان مخاصمات مسلحانه**
- ۸۹ مبحث اول: نقش دادگاه یوگوسلاوی سابق و رواندا در تحقق مسئولیت کیفری ناشی از نقض حقوق بشردوستانه
- ۹۱ گفتار اول: تعریف مسئولیت بین‌المللی
- ۹۵ بند ۱: مفهوم دولت
- ۹۷ بند ۲: مفهوم جبران خسارت
- ۱۰۰ گفتار دوم: مفهوم مسئولیت کیفری فردی
- ۱۰۲ مبحث دوم: تبیین مسئولیت کیفری فردی از نقض حقوق بشردوستانه در جریان مخاصمات مسلحانه داخلی
- ۱۰۴ گفتار اول: چگونگی مسئولیت کیفری در مخاصمات داخلی
- ۱۰۹ گفتار دوم: رای دادگاه کیفری سیرالئون در خصوص نقض قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه داخلی و تجلی مسئولیت کیفری فردی
- ۱۱۴ **بررسی فرضیه‌های پیشنهادی:**
- ۱۲۳ **نتیجه‌گیری**
- ۱۲۷ **منابع و ماخذ:**
- ۱۴۱ **ضمائم:**
- ۱- پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ در خصوص حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی (پروتکل دوم) ژنو- ژوئن ۱۹۷۷.
- ۲- کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹.

مقدمه :

(۱) بیان مسئله

زمانی که وینستون چرچیل در مارس ۱۹۴۶ در کالج وست منیستر در ایالت میسوری در خصوص توسعه‌طلبی اتحاد جماهیر شوروی هشدار داده، خبر از کشیده شدن پرده‌های آهنین در میانه اروپا داد، هرگز تصور نمی‌کرد که ۴۶ سال بعد در همان مکان که ایستاده آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی در پایان جنگ سرد و محو شدن این پرده آهنین در خصوص بازگشت الگوی سال ۱۹۱۴، بسط روند "ملی‌گرایی افراطی" و فجایع ناشی از آن هشدار دهد.^۱ این هشدار، برخلاف هشدار نخست وزیر وینستون چرچیل، برای جلب نگرانی و توجه حکومت‌ها نبود، این هشدار برای بشریت بود.

سال‌ها بعد از نطق چرچیل، فورسیث^۲ در ۱۹۷۸ با بدبینی خاصی ماهیت غیرانسانی درگیرهای داخلی - که روند مثبتی را طی نکرده بود - مورد توجه قرار داده اظهار داشت: "دلیلی وجود ندارد که این حکم کلی را به چالش بکشیم که از ۱۹۴۹ به بعد میزان بسیار اندکی از خشونت و سبعت جنگ‌های داخلی کاسته شده است". اکنون با نهایت تاسف باید گفت که این خشونت و سبعت‌ها شدیدتر و نگران‌کننده‌تر شده است. هزاران کشته در نقاط مختلف جهان، نشان می‌دهد که بشریت در اعتلای مفاهیم اساسی که آن را منطق تکامل خویش می‌دانند، ناموفق بوده است. آنچه که در طی هزاران سال تحت نام مدنیت شکل گرفته کمک‌چندانی به پایان دادن به آلام انسانها نکرده است. حکمیت که روزگاری بادن^۳ آن را نوشداروی مشکلات جامعه می‌دانست، اکنون به نهاد پیچیده‌ای تبدیل شده که نه

۱- والتر لاهه، بر پنجاه سال جنگ سرد از غائله آذربایجان تا سقوط گورباچف، ترجمه منوچهر شجاعی، نشر مرکز، تهران: ۱۳۷۶، ص ۳۹۶

۲ - D. forsythe, legal management of Internal war, AJIL, VOL. 72, no, 1978, P. 277.

۳ - Bodin

می‌توان آن را به حال خود رها کرد و نه می‌توان آن را از صحنه تعاملات بشری به کنار نهاد. اگرچه این نهاد اکنون دیگر به صورت دیواری شیشه‌ای درآمده، لکن هنوز هم پابرجاست. از سوی دیگر، پایان جنگ سد راه کارهای گذشته را متحول ساخته است. اکنون در غیبت حساسیتهای ناشی از قدرت ابرقدرتها، نهادهایی سر برآورده‌اند که تعهد مطلقاً به حکومت‌ها ندارند و هدف اساسی و اولیه آنها توجه به بشر و موجودیت آن است. زمانی که تنها موضوعات حقوق بین‌الملل دولت‌ها بوده‌اند، آنچه که در وهله اول نظر هر حقوق‌دان را به خود جلب می‌کرد، کلیت جامعه بود که در قالب دولت، آن چنان به هم فشرده می‌گشت که گاه عنصر اساسی آن یعنی فرد بشر، کاملاً بدست فراموشی سپرده می‌شد. لکن از زمانی که شکاف‌های عمیقی در "ایده حاکمیت" ایجاد شد و حکومت‌هایی که مهره‌های اصلی روابط بین‌الملل محسوب می‌شدند، تحولات بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده‌اند، این ایده در افکار عمومی بین‌المللی آن جایگاه و مقام دیرپای خود را از دست داد.

مفهوم مهره‌های دومینو در عرصه روابط بین‌الملل، تداعی‌کننده عناصری منفی بود که سلسله‌ای از وقایع تلخ را به تصویر می‌کشیده است. از سال ۱۹۹۵ به بعد مهره‌های دومینو در عرصه حقوق بین‌الملل خصوصاً در شاخه حقوق بشردوستانه بین‌المللی روندی مثبت و صعودی را به نمایش گذاشته‌اند. به موازات ظهور تغییراتی در مفهوم حاکمیت، عرصه روابط بین‌الملل دولتی و غیردولتی نیز شاهد تغییر و تحولاتی بوده است: ظهور محاکم بین‌المللی متعدد^۱ فعالیت شرکت‌هایی در سطح جهانی با ابعاد جدید، استحکام و شکل‌گیری افکار عمومی جهانی به عنوان یک عامل تاثیرگذار در معادلات بین‌المللی که به شدت تحت تاثیر فعالیت روزافزون رسانه‌های گروهی است، و به طور خلاصه روندی که بعد از آن تحت عنوان "جهانی شدن" یاد می‌کنند. حقوق بین‌الملل نیز از جریان جدید برکنار نمانده است،

^۱- The proliferation of International Judicial Bodies: The out look for the International legal order, speech by His Excellency Judge Gillbert Guillaum, president of the Int'l court of Justice for 6th committee of General assembly of United Nations, 27 OCT, 2000.

تغییرات بسیار سریع و در سطحی وسیع اتفاق افتاده و نتایجی به بار آورده که بسیار بیشتر از نتایج سالها توسعه و تحول خصوصاً در رشته حقوق بشر دوستانه است.

حقوق بشردوستانه، بخشی از حقوق بین‌الملل معاصر است که به درگیریهای مسلحانه اطلاق می‌شود، به قول پروفیسور فارر^۱، "به محض آنکه اهداف سیاسی از طریق ابزارهای نظامی دنبال نشوند"، قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی قابل اعمال می‌باشند. بین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه که عمدتاً ناظر بر زمان صلح است، یا چنین برداشت می‌شود، رابطه‌ای پیچیده وجود دارد. اگر بگوییم اساس و ریشه حقوق بشر را در قواعد حقوق بشردوستانه باید جست، اغراق نکرده‌ایم، در عین حال باید بگوییم از زمانی که دکترین حقوق بشر در قالب اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای به ظهور رسید، تاثیر و نفوذ این دکترین در حقوق بشردوستانه غیرقابل انکار بوده است.

با پایان جنگ سرد و تقویت فعالیتهای حقوق بشری این تاثیر دو چندان شده است، خصوصاً زمانی که صحبت بر سر درگیریهای مسلحانه‌ای است که در چارچوب مرزهای یک دولت اتفاق می‌افتد. تقویت دکترین حقوق بشر این پیام را در برداشته که حکومت و اعضای آن در اعمال حق حاکمیت کاملاً آزاد نبود. بالاتر از قانون قرار نمی‌گیرند، بلکه باید گفت قانون در مورد آنها باید دقیقاً اعمال شود. فردی که به اعتماد مردمی که حکومت را به او واگذار کرده‌اند خیانت کند، هرگز حقوق اتباع دولت دیگری را هم به رسمیت نخواهد شناخت. اتباع یک حکومت، حتی زمانی که با حکومت خویش چنان اختلافات عمیقی پیدا کنند که برای حل آن متوسل به اقدام مسلحانه شوند، باز هم به عنوان اتباع آن دولت و بالاتر از آن، به عنوان یک انسان دارای حقوقی هستند که حکومت ملزم به رعایت آن است.

آنچه مورد نظر حقوق بشردوستانه است، دلایل مسلح شدن مردم یا علل شورشهای مسلحانه نیست، بلکه حمایت از قربانیان درگیری مسلحانه است؛ "jus in bello" یا حقوق ناظر بر

¹ - farer

درگیری‌های مسلحانه با مشروعیت یک اقدام مسلحانه سروکار ندارد. بلکه تاکیدش بر این است که قربانیان درگیری حتی شورشیان - به عنوان یک انسان - از حمایت حقوقی برخوردارند، اینجا ماده ۲ منشور، بند ۷، در راستای حفظ حاکمیت، بی‌تاثیر است. زیرا بنابر قول دیوان بین‌المللی دادگستری، حمایت از بشریت و حقوق آن یک قاعده *Erga omnes* است، و همه ملل جهان در رعایت آن نفعی حقوقی دارند.

بدین ترتیب درگیری‌های مسلحانه‌ای که در چارچوب مرزهای یک کشور اتفاق می‌افتد هم به قواعدی جدید و هم به تفسیری جدید از قواعد موجود نیاز دارد.^۱ علاوه بر توجه به حقوق فرد به عنوان یک انسان در هر شرایط، عامل دیگری نیز بر اهمیت درگیری‌های داخلی می‌افزاید: درگیری‌های داخلی دیگر نه ناشی از تضاد "ایسم‌ها، بین حکومت و یک گروه شورشی، بلکه بیشتر ناشی از عدم تساهل قومیت‌های مختلف و پیروان مذاهب متفاوت نسبت به یکدیگر است. اکنون دیگر شناسایی یک درگیری مسلحانه بین حکومت یک دولت که اعضای آن را بیشتر افراد متعلق به یک مذهب یا قوم و نژاد خاص تشکیل می‌دهند، و یک گروه شورشی متعلق به مذهب یا قوم و نژاد دیگر - به عنوان درگیری داخلی، محل بحث و تردید است. به دلیل تبعات بین‌المللی و عواقبی که درگیر شدن حکومتی با حکومت دیگر دارد، حکومتها اهداف خود را از طریق پشتیبانی گروه‌های مسلح در داخل خاک دولت دیگر پیش برده آن را محقق می‌سازند. اگرچه این مساله سابقه‌ای طولانی دارد، لکن تنها در دوران جدید بوده که حقوقدانان جسارت یافته‌اند که اعلام کنند پشتیبانی دولتی از اتباع شورشی دولت دیگر، علاوه بر اینکه برای دولت اول دربردارنده مسئولیت بین‌المللی خواهد بود، تحت شرایط خاصی منجر به بین‌المللی شدن درگیری نیز می‌شود.

سازوکارهای اجرایی حقوق بشردوستانه نیز دچار تحول شده است. با توجه به این مسئله که سازمان ملل و سایر ارگان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از حل و فصل به موقع تنش‌ها و

^۱ - Theodor Meron, Humanization of Humanitarian Law, 94 JIL, 2000, pp.243-244.

منازعات داخلی ناتوان بوده‌اند، جامعه بین‌المللی که به دنبال خشونت‌ها و وحشی‌گری‌های واقع در درگیری‌های پس از دوران جنگ سرد دچار شوکی عمیق شده بود، به تدریج در عرض یک دهه، اصلی را به عنوان اصل عرفی حقوق بین‌الملل اعلام کرد مبنی بر اینکه فردیکه مرتکب جنایتی برخلاف قواعد حقوق بین‌الملل شود-از جمله کسیکه حقوق بشردوستانه درگیری‌های داخلی را نقض کند- سوای موقعیت و مقامی که دارد، در برابر عمل خود مسئول بوده و باید محاکمه و مجازات شود. اگرچه اصل مسئولیت کیفری فردی برای جنایت جنگی و جنایات علیه بشریت در درگیری‌های بین‌المللی یک اصل پذیرفته شده بود، لکن در عرصه درگیری‌های داخلی تازگی داشت.

۲) پرسش‌های تحقیق:

الف: در وضعیت درگیری‌های مسلحانه داخلی غیرنظامیان به ویژه کودکان که از این عملیات متاثر می‌شوند از چه حمایت‌هایی برخوردار هستند؟

ب: آیا چالش‌های حقوق بشردوستانه در خصوص مساله حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه داخلی به فقدان قواعد حمایتی حقوق برمی‌گردد یا عدم اجرای صحیح قواعد حقوقی موجود؟

ج: آیا نقض قواعد قابل اعمال حقوق بین‌الملل بشردوستانه در وضعیت درگیری مسلحانه داخلی واجد مسئولیت کیفری فردی می‌باشد؟

۳) فرضیه‌های تحقیق:

فرضیات مطرح شده در این پژوهش عبارت است از:

فرضیه اول، بیان می‌دارد که حقوق ناظر بر درگیری‌های مسلحانه داخلی در صورتی که از سوی اطراف درگیر به مورد اجرا گذاشته شود می‌تواند ابعاد مختلف درگیری‌های مذکور را پوشش دهد و حمایت لازم را از قربانیان درگیری مسلحانه داخلی به عمل آورد؛

فرضیه دوم: حول محور عبارت حقوق ناظر بر درگیری‌های مسلحانه داخلی که در فرضیه اول آمده قرار می‌گیرد و عنوان می‌دارد که "غیر از مواردی که پدیده‌های خاص درگیری-های بین‌المللی را قاعده‌مند می‌کند، نظیر قواعد مربوط به وضعیت حقوقی اسرای جنگی یا سرزمین‌های اشغالی، حکمت غایی حقوق بشردوستانه که همانا حمایت از اساسی‌ترین ابعاد حیات و بقای فرد که انکارناپذیر و ضروری است- می‌باشد، تسری حقوق ناظر بر درگیری-های مسلحانه بین‌المللی را به درگیری‌های داخلی اجتناب‌ناپذیر می‌سازد."

فرضیه سوم: در مورد سازوکار اجرایی حقوق بشردوستانه درگیری‌های داخلی است و بدین ترتیب بیان می‌شود که "اعمال اصل مسئولیت کیفری فردی برای نقض قواعد حقوق بشردوستانه که در حال حاضر بهترین راه حل عملی برای مقابله با نقض حقوق بشردوستانه در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی می‌باشد در خصوص نقض درگیری‌های مسلحانه داخلی نیز عرفی شده و قابل اعمال می‌باشد."

۴) پیشینه تحقیق:

طی مدت تحقیق دریافتم، علیرغم اهمیت موضوع، یعنی مسئله مخاصمات مسلحانه داخلی به طور اعم و وسعت فجایع ناشی از این گونه مخاصمات به لحاظ کیفی و کمی و از سوی دیگر قریب‌الوقوع بودن آن به جهات گوناگون همچون نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و تبعیضات قومی و نژادی و ... و نیز ویژگی خاص مسئله به لحاظ اهمیت یعنی بخش عظیم قربانیان این گونه مخاصمات که عمدتاً شامل کودکان می‌گردد، متأسفانه بسیار اندک- به ویژه در کشور ما- به این مهم پرداخته شده و تاکنون تحقیقی مستقل در خصوص کودکان سرباز در جریان مخاصمات مسلحانه داخلی و چگونگی حمایت از آنها با استناد بر قواعد حقوق بین‌الملل صورت نگرفته است.

۵) انگیزه تحقیق:

همانگونه که تلویحاً در مقدمه - بیان مسئله - اشاره شد به علل مختلف، مخاصمات داخلی در دوره ما رو به تزایدی انفجاری گذاشتند و در اغلب موارد ضمن تخریب بنیان‌های دولت، تلفات انسانی بسیار برجای نهادند. به روایت دبیرکل ملل متحد در "گزارش هزاره"، این مخاصمات خشن تا سال ۲۰۰۰ موجب مرگ بیش از پنج میلیون انسان شده‌اند. جلوگیری از مخاصماتی چنین پرآسیب، به یقین یکی از چالش‌های بزرگ در پیش روی جامعه بین-المللی است.

لذا بر خود لازم دانستم با ورود به این عرصه در قالب پایان نامه تحصیلی و با تمرکز بر حمایت از کودکان به ویژه کودکان سرباز - که بی‌تردید قربانیان حقیقی این گونه مخاصمات به شمار می‌روند - لزوم توجه جدی‌تر به این امر مهم را یادآوری نموده، با این اعتقاد که هر یک از ما قادر خواهیم بود در هر جایگاهی سهمی در راستای تحقیق اهداف بشردوستانه جهت تامین احترام به شأن و کرامت انسانی و تضمین حقوق اساسی بشر ایفاء نماییم.

۶) تعریف مفاهیم:

۱- **حقوق بین‌الملل بشردوستانه:** مجموعه قواعد حقوق بین‌الملل است که ضمن تعیین حقوق افراد انسانی، در مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیربین‌المللی تکالیف افراد و کشورها در آن مخاصمات را تعیین می‌نماید. در واقع حقوق بشردوستانه حقوق انسانی زمان جنگ است، بدون توجه به علل و انگیزه وقوع جنگ و بدون پرداختن به هیچگونه توجهی در مورد مشروعیت یا عدم مشروعیت جنگ.

۲- **مخاصمات مسلحانه داخلی:** منظور از مخاصمات مسلحانه داخلی مخاصماتی است که در داخل سرزمین یک دولت رخ داده و نیروهای مسلح یک دولت دیگر در عملیات نظامی شرکت نداشته باشند.

۳- **کودک:** به موجب ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، از نظر این کنوانسیون منظور از کودک افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.

۴- **کودک سرباز:** به افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال که به موجب کنوانسیون حقوق کودک، کودک به شمار می‌روند اما بطور مستقیم یا غیرمستقیم در مخاصمات مسلحانه بکار گرفته می‌شوند.

۵- **مسئولیت کیفری فردی:** حقوق مخاصمات مسلحانه نه فقط دولتها، بلکه افراد، از جمله اعضای نیروهای مسلح را هم ملتزم می‌سازد. افراد در قبال جنایت جنگی که خود مرتکب می‌شوند یا دستور ارتکاب آنها را می‌دهند یا در ارتکاب آنها به دیگران کمک می‌کنند، مسئول هستند.

۷) روش تحقیق و گردآوری:

این تحقیق به روش تحلیلی و توصیفی و مبتنی بر منابع نوشتاری کتابخانه‌ای- کتاب‌ها، مجموعه مقالات، مجلات و روزنامه‌ها و دیگر انواع و نیز با مراجعه و استناد بر اسناد بین-المللی موجود در این خصوص و همچنین رجوع به گزارشات مستند مراجع ذیصلاح بین-المللی صورت گرفته است.

۸) مشکلات تحقیق:

با آنکه در خصوص موضوع مخاصمات مسلحانه به طور عام و به تبع آن، مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی- داخلی- کتب و منابع زیادی موجود است و علیرغم حساسیت فوق‌العاده جامعه جهانی در خصوص مسائل مربوط به حمایت از کودکان، معهداً ملاحظه شد موضوع مربوط به کودکان سرباز- شاید تعمداً- به سکوت واگذار شده و همچون خط قرمزی است که عموماً افراد از ورود و بررسی آن پرهیز می‌نمایند، بدین جهت امکان دستیابی به منابع با مشکلات و البته ابهامات فراوانی همراه بوده است.

۹) نقطه تمرکز:

این تحقیق در صدد پاسخ به این سوال اصلی است که: آیا چالش حقوق بشردوستانه در خصوص مساله حمايت از کودکان در طول مخاصمات مسلحانه داخلی به فقدان قواعد حمايتی حقوق برمی‌گردد- با توجه به اینکه هنگامی که از حقوق بین‌الملل بشردوستانه سخن می‌گوئیم باید بدانیم که این حقوق اساساً حقوقی است حمايتی، به آن معنا که انبوه مقررات و قوانین آن به دنبال حمايت از قربانیان و حفظ شأن و کرامت انسان‌ها می‌باشد- یا عدم اجرای صحیح قواعد حقوقی؟!

۱۰) سازماندهی تحقیق:

با توجه به پرسشها و نقطه تمرکز تحقیق، پژوهش حاضر در دو بخش به شرح زیر خواهد بود:

بخش اول تحت عنوان **تبیین مبانی و مفاهیم بنیادین پژوهش از منظر حقوق بین‌الملل**، با تعریف کودک از منظر حقوق بین‌الملل جهت پرداختن به مفهوم کلیدی و بنیادی پژوهش یعنی کودک سرباز آغاز شده و آنگاه با ارائه شمایی از مخاصمات مسلحانه به طور عام و به دنبال آن تاکید بر مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی یا داخلی و به تبع آن تفاوت اینگونه مخاصمات با مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و البته اشتراکات و قواعد حاکم بر آنها، و در ادامه چشم‌اندازی بر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و کنکاش در اصول و مبانی آن و سرانجام نگاهی به موارد اشتراک و افتراق میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه که گفتار پایانی بخش نخست را تشکیل می‌دهد.

بخش دوم تحت عنوان **اصل رعایت حقوق کودکان در پرتو حقوق بشردوستانه در جریان مخاصمات مسلحانه داخلی** است. لذا محور اصلی این بخش معرفی و ارجاع به اسناد بین‌المللی موجود: از پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۷۷... تا پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک در رابطه با بکارگیری کودکان در مخاصمات

مسلحانه (۲۰۰۰)، با نگاهی به محاکم کیفری بین‌المللی در خصوص نقض این تعهدات بین‌المللی و نیز گریزی به عملکرد و نقش سازمانهای غیردولتی همچون سازمان صلیب سرخ جهانی و سازمان عضو بین‌الملل، و در نهایت پرداختن به موضوع مسئولیت ناشی از عدم رعایت حقوق کودکان با تاکید بر مسئله مسئولیت دولتها در نظام حقوق بین‌الملل و طرح مسئله مسئولیت کیفری فردی ناشی از نقض قواعد حقوق بشردوستانه و سرانجام با بررسی‌های به عمل آمده پاسخ به فرضیات مطرح شده و نتیجه‌گیری که بخش پایانی کار را تشکیل می‌دهد.

بخش اول: تبیین مبانی و مفاهیم بنیادین پژوهش از منظر

حقوق بین‌الملل